

نقش علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی در دوره قاجار

abotaleby@gmail.com

مهدی ابوطالبی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۷

چکیده

جمهوری اسلامی ایران به سبب مقاومت در برابر نظام سلطه، آماج تهاجم‌های متعددی قرار گرفته است. از جمله این تهاجم‌ها، تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی است. بر همین اساس، مقام معظم رهبری بحث «اقتصاد مقاومتی» را به عنوان بهترین راهبرد مطرح کردند. از نظر ایشان، یکی از راه کارها حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی است. از آن رو که این گونه تهدیدها و تحریم‌ها در دوره‌های گذشته نیز در کشور ما سابقه داشته، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که در تجربه تاریخی ما، علمای شیعه برای حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی چه راه کارها و اقداماتی داشته‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال، عملکرد و بیانات علمای شیعه در دوره قاجار، که دوران هجوم اقتصادی غرب به ایران بوده، در متون تاریخی بر اساس روش «تحلیل محتوای کیفی» بررسی شده است. نتیجه این بررسی آن است که عالمان شیعه با صدور بیانیه، در تحریم کالاهای خارجی و ترویج کالاهای داخلی، تشویق و حمایت از تأسیس شرکت‌های اقتصادی داخلی و تعهد عملی به استفاده از کالاهای داخلی و قناعت در زندگی، نقش زیادی در این زمینه داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: علما شیعه، تولید، ملی، سرمایه، ایرانی، کالا، خارجی، داخلی، تحریم.

مقدمه

علمای شیعه همواره بر اساس وظیفه‌ای که برعهده دارند و آن هدایت و رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت در راستای احکام اسلام و موازین شرع است، اقدامات گوناگونی انجام داده‌اند. اما ذهنیت عمومی جامعه این است که وظایف و اقدامات عملی علما عموماً در مباحث خاص دینی، مثل برپایی مراسم دینی، وعظ و خطابه و امامت جماعت و پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات اعتقادی و شرعی مردم بوده است. از این رو، فعالیت‌های علمای شیعه در عرصه‌های خاص اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگ اجتماعی کمتر مورد توجه بوده و کمتر بیان شده است. نمونه‌های زیادی از اقدامات علما در حفظ موارث دینی، مقابله با شبهات اعتقادی، مناظرات مذهبی و عقیدتی سراغ داریم. اما اگر از نقش علمای شیعه در حفظ اقتصاد ملی یا هویت ملی یا منافع ملی کشور سخن بگوییم قطعاً اطلاعات کمتری در این زمینه وجود دارد. این در حالی است که چون دین اسلام دین جامع است و برای همه عرصه‌های زندگی بشر برنامه دارد، طبیعتاً عالمان اسلامی، که وظیفه تبلیغ دین و حراست از آموزه‌های دینی و اجرای آن در جامعه برعهده دارند، باید در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال باشند. در تاریخ معاصر ایران، که دوره هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب به این کشور است، همواره شاهد حضور زیرکانه و مؤثر علمای شیعه در مقابله با این تهاجم بوده‌ایم. یکی از اقدامات علمای شیعه در مواجهه با این تهاج‌ها، به‌ویژه حمله اقتصادی، دفاع و حمایت از کار، تولید و سرمایه ایرانی است. این مقاله نقش آنها در این مسئله اقتصادی را بررسی می‌کند.

لازم به ذکر است در خصوص این موضوع، آثاری منتشر شده است؛ مثل مقاله «نقش و آثار شرکت اسلامی در اندیشه خودکفایی» به قلم آقای مصطفی مرتضوی که صرفاً به یکی از اقدامات مذکور، یعنی «شرکت اسلامی» پرداخته است. همچنین مقاله «رهیافت امنیتی آقانو‌الله نجفی و شهید مدرس» به قلم آقای رشید رکامیان که به مباحث امنیتی در بعد فرهنگی، قضایی، نظامی و اقتصادی پرداخته که یک بعد آن، یعنی بعد اقتصادی با این مقاله نزدیک است، آن هم صرفاً در خصوص اقدام اقتصادی آقانو‌الله به‌ویژه شرکت اسلامی. همچنین مقاله «ده فتوای مذهبی - سیاسی» متعلق به آیت‌الله استادی که ایشان نیز تعداد محدودی از فتاوای علما را به صورت سند تاریخی ذکر کرده‌اند و تحلیل چندانی درباره محتوای آن ندارند. همچنین مقاله «پیکار پیروز مرجعیت شیعه علیه استعمار انگلیس» که به تفصیل به دو اقدام مرحوم کنی و مرحوم شیرازی در قراردادهای «رویترو» و «رزی» پرداخته است. مقاله‌ای نیز با عنوان

«مبانی فقهی حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی» تألیف رضا اسلامی منتشر شده که صرفاً به مبانی فقهی بحث پرداخته است، نه نمونه‌های تاریخی.

همچنین تکنگرایی‌هایی درباره برخی علما، مثل آیت‌الله ملاعلی کنی یا مرحوم صاحب عروه (ابوالحسنی، ۱۳۸۶) یا آقانجفی اصفهانی و آقانورالله اصفهانی (نجفی، ۱۳۹۰؛ نجفی، ۱۳۸۷) نوشته شده که به زندگی و حیات سیاسی - اجتماعی این بزرگواران پرداخته و ضمن آن برخی از اقدامات آنها را که در زمینه حمایت از منافع ملی و سرمایه‌های ملی بوده، ذکر کرده است. تفاوت این مقاله با تحقیقات مذکور در این است که اولاً، یک نگاه کلی به عملکرد علما در کل دوره قاجاریه در موضوع مذکور دارد، ثانیاً، به روش تحلیل محتوا، به تحلیل متن اعلامیه‌ها و فتاوا پرداخته و علل و انگیزه‌های صدور اعلامیه‌ها و فتاوا و سایر اقدامات را بررسی و تحلیل و در یک قالب خاص، دسته‌بندی کرده و با نگاه موضوع روز، یعنی «حمایت از کار و سرمایه ایرانی» این تحلیل را انجام داده است که این زاویه نگاه و این نوع تحلیل و دسته‌بندی نوآوری و تفاوت این مقاله با سایر آثار منتشرشده در این زمینه به‌شمار می‌آید.

الف. ترغیب و حمایت از تأسیس شرکت‌های اقتصادی داخلی

یکی از راهبردهای علمای شیعه در مقابله با هجوم اقتصادی غرب، تقویت اقتصاد داخلی بوده است. یکی از اقدامات در این زمینه، تشویق و حمایت از تأسیس شرکت‌های اقتصادی داخلی است. مهم‌ترین مصداق این حرکت، تأسیس «شرکت اسلامیة اصفهان» در سال ۱۳۱۶ق، یعنی قریب هفت سال پس از قیام تنباکو در اصفهان است. این شرکت با همت دو مجتهد بزرگ اصفهان، مرحوم آیت‌الله آقانجفی اصفهانی و برادرشان شهید حاج آقانورالله اصفهانی تأسیس شد. پس از قیام تنباکو، و بروز فواید بی‌شمار آن، این دو بزرگوار این‌گونه برنامه‌ریزی می‌کردند که علاوه بر حضور نداشتن کالاها و منسوجات خارجی در زندگی مردم، امکانات داخلی را برای تولید بسیج نموده و با ابتکار ایرانی، به تولید بپردازند و ملت را برای حمایت از آن تشویق کنند و تحریم کالاهای بیگانه را بعد اثباتی عملی ببخشند. از این‌رو، مرحوم آقانجفی پس از مراسم نماز جماعت در مسجد «جامع سلطانی» (مسجد شاه) طی سخنرانی مبسوط و مهمی با استناد به آیات و روایات، از مردم خواست از مصرف کالاها و منسوجات خارجی خودداری کنند و به مصرف کالاهای داخلی روی آورند. ایشان در نامه‌ها و اعلامیه‌های بعدی، مردم را به استفاده از کالاهای اسلامی تشویق می‌کرد (نجفی، ۱۳۸۷، ص ۵۹-۶۱).

روزنامه حبل المتین به نقل از خبرنگار خود در اصفهان، در رابطه با نقش آقاجنی اصفهانی در این باره می نویسد:

حضرت حجة الاسلام حاج شیخ محمدتقی [آقاجنی] - مدظله العالی - عنوان مفصلی را من باب ترک منسوجات و مصنوعات خارجه در ترویج امتعه و اقمشه داخله و بیست و هفت مورد در قرآن، که منع از معاشرت خارجه است، بیانی خیلی مفصل و عنوانی بسیار عام فهم، ارشاد فرموده اند... علمای اسلام در این شرکت مقدس، شخصاً شرکت مالیه نموده اند و از بذل نصایح و تشویق عموم به امتعه اسلامی و دوری از استعمال امتعه خارجه، دقیقه ای فروگذار نمی کنند... حضرت حجة الاسلام آقای نجفی و بندگان فقه الاسلام [حاج آقانورالله] و جناب آقایان علمای اسلام - سلمهم الله تعالی - در راه این شرکت مقدس، از هستی خود گذشته اند (حبل المتین، ش ۲۰، ص ۹).

۱. حمایت از تولید داخلی و کار و سرمایه ایرانی

این شرکت که یک اساس نامه قوی با ۴۳ فصل و یک خاتمه داشت، با اهداف مهمی در عرصه حفظ و تقویت اقتصاد ملی در مقابل نفوذ اقتصادی بیگانه تأسیس شد. آقاجنی اصفهانی در نامه هایی که به مطبوعات، از جمله روزنامه حبل المتین نوشت، به پیشرفت در این زمینه در حد خودکفایی اقتصادی و احتیاج نداشتن به بیگانه اشاره کرد:

رجاء دارم که به حسن اهتمام علماء اعلام و توجه اسلامیان، موجبات رواج صنایع و امتعه اسلامی زیاده بر این، یوماً فیوماً در ترقی و شیوع بشود؛ چنانچه در اصفهان و توابع، لباس اغلب مسلمانان از همین منسوجات و امتعه اسلامی می باشد و رواج دارد. ان شاء الله تعالی به طوری شایع خواهد شد که کفایت عموم اسلامیان را بنماید (همان، ش ۱۹، ص ۱۷). ... مسلمین را حاجت به منسوجات و ملبوسات غیر نباشد (همان، ش ۲۵).

بر همین اساس، روزنامه ثریا به آگاهی و توجه عالمان دینی به مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد و به ویژه این عالم دینی را آغازکننده ترقی و پیشرفت در ایران دانست:

... رؤسای روحانی ملت و امر دولت ایران، معنی وطن و ترقی آن را شناخته و درصدد ارتقاء بدان مدارج عالی برآمده اند. اگر نام مبارک حجة الاسلام آقاجنی - مد ظله العالی - را سرآغاز تاریخ ترقی ایران قرار دهیم، شایسته و سزااست... (ثریا، ۱۳۱۷ق، ش ۴۷).

فصول گوناگون اساس نامه این شرکت و اهداف تعیین شده حاکی از دید وسیع و متفکرانه این عالم دینی و توجه دقیق وی به معضلات و مشکلات اقتصادی جامعه زمان خود است که برای حل این مشکلات، اقدام به تأسیس این شرکت نمود. در اساس نامه این شرکت، اهداف کلی تأسیس شرکت این گونه ذکر شده است:

۱. دسترسی به سود بیشتر اقتصادی از طریق راه اندازی کمپانی و شرکت در نسبت با کار تجارت فردی؛
۲. خروج از ذلت احتیاج به امتعه خارجی؛
۳. تثبیت و تقویت هرچه بیشتر تجارت داخله در برابر تجارت خارجه؛
۴. جلوگیری از خروج ثروت داخلی به خارج از کشور؛
۵. جلوگیری از مهاجرت نسل های آینده به خارج از کشور برای مزدوری و کارگری نزد بیگانگان؛
۶. تسهیل در امر معیشت مردم به علت ارزان تر بودن منسوجات و مأکولات داخلی نسبت نوع خارجی آنها؛

۷. ارائه الگویی تجاری برای آینده ملت و دولت؛

۸. جلوگیری از رواج معاملات ربوی بیگانگان.

چنانکه پیداست، تأکید بر «کار جمعی به جای فردی»، احتیاج نداشتن به بیگانگان، ممانعت از خروج ثروت ملی و نیروی کار و تقویت اقتصاد ملی، و حل مشکلات اقتصادی مردم از جمله اهداف اصلی شرکت است؛ مشکلاتی که تقریباً همگی امروز از جمله مشکلات اقتصادی جامعه ماست (ر.ک: نجفی، ۱۳۸۴، ص ۳۲-۳۴). بنیان گذاران این شرکت در اساس نامه آن، فواید و کارایی آن را این گونه بیان کرده اند: [این شرکت] آب رفته را به جوی آورد و رشته گسیخته تجارت داخله ما را محکم خواهد نمود. ملک و وطن ما را آباد و احیای صنایع منقرض شده ما را حیات می دهد. ما را از ذلت احتیاج به امتعه خارجی می رهند. قماش های قلب فساد شده خارج که در عوضش روح و ثروت مملکت ما می رود موقوف دارد، و صنایع استادان خودمان را، که فعلاً جاذب انظار تمام صنعت گران عالم است و در تماشخانه های خارجه به یادگار در کمال احترام نگه می دارند، به حال اولین عود می دهد. راه های مملکت را شوسه و آهن کرده، حمل و نقل ما را سهل خواهد نمود. از قحط سالی و تعدی محتکرین بی انصاف نجاتمان می دهد. اطفال ما را تربیت می کند. در سال، که هزارها از نفوس و برادران دینی ما به خارجه مسافرت کرده، در کمال ذلت به مزدوری غیر مذهب ما، جان شیرین می سپارند، به کار و شغل داخله مملکت باز خواهد داشت (همان، ص ۴۸-۴۹).

۲. استقبال اقشار جامعه از محصولات شرکت

این شرکت، که برای تقویت اقتصاد داخلی و مقابله با نفوذ اقتصادی بیگانگان و سلطه آنها بر کشورهای اسلامی تأسیس شد، استقبال عظیم مردم را در پی داشت و میزان سرور و بهجت مردم از توفیق این شرکت به اندازه ای بود که در برخی شهرها، از جمله بوشهر و کاشان به هنگام ورود اولین البسه این شرکت، مجلس جشن و بزم به راه انداختند. در توصیف این شور و حرارت آمده است:

چنان وجد و سرور در اهالی از وضع و شریف ملاحظه شد که در هیچ عید از اطفال ندیده بودم. و در تعریف منسوجات وطنی، همین یک نکته شاهد است که بلژیکی‌های مأمورین گمرک و سایر اهالی خارجه از این تن‌خواه خریدند و نهایت توصیف می‌نمودند. الفضل ما شهدت به الایثار (حبل‌المتین، ش ۲۴؛ ص ۲۵؛ ش ۲۹، ص ۱۵).

مطبوعات و رسانه‌های داخلی و خارجی نیز به شدت نسبت به این حرکت توجه نشان دادند و اخبار گسترش و توسعه آن را منتشر می‌کردند. آقاجفی و حاج آقا نورالله اصفهانی در نامه‌هایی که در تشکر از توجه روزنامه‌ها به این اقدام نوشتند، از این حرکت به مثابه یک «جهاد اقتصادی» نام بردند. در نامه ایشان به روزنامه ثریا آمده است:

گمانم این است اقدام در این عمل خیر، امروز به منزله جهاد است و عندالله ثواب و اجر عظیم دارد؛ چه ملت و امت ناجیه را از احتیاج به کفار مانع بزرگی است... در این مدت قلیل، منسوجات شرکت اسلامی بین المسلمین خیلی رواج یافته و ترقی نموده است و بسیار اشیاء و اجناس نفیسه اختراع کرده‌اند (ثریا، ۱۳۱۷ق، ش ۴۷).

همچنین نوع این اقدام، که در جهت حفظ منافع اقتصادی جامعه اسلامی و مقابله با سلطه بیگانگان بر امت مسلمان بود، حمایت جدی علمای مسلمان در مناطق گوناگون را موجب گردید و علمای بزرگی همچون آیات عظام ملا محمدکاظم خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی، میرزا حسین نجل میرزا خلیل، محمد الغروی الشریانی، ملا محمدحسن مامقانی، میرزا فتح‌الله شیرازی اصفهانی معروف به «شریعتمدار»، میرزا محمدحسین نوری معروف به «محدث نوری» و صدراصفهانی به شکل‌های گوناگون مثل فتوا، اعلامیه، سخنرانی و تألیف کتاب، به حمایت از آن برخاستند. برای نمونه، آیت‌الله آخوند خراسانی در نامه‌ای، از شاه خواست تا با «خلع لباس ذلت» و «لبس لباس عزت» و استفاده از «البسه مصنوعه اسلامی» هم به «ترویج ملت بیضاء و تقویت دولت عظمی و اسباب آسایش عموم عباد و ترقیات عامه و قاطبین بلاد محروسه ایران» پردازد و هم باعث شود تا ملت، که به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم» شیوه وی را ادامه دهند که «کهن جامعه خویش را پیرایش، به از جامه عاریت خواستن» است (ر.ک: ثریا، ش ۱۳).

حتی در برخی شهرها از جمله در شیراز، علما برخی از وعاظ را روانه نقاط گوناگون شهر و روستا کردند تا به مردم اطلاع دهند و از آنان بخواهند که از این به بعد، تنها از منسوجات «شرکت اسلامی» اصفهان استفاده کنند (حبل‌المتین، ش ۱۸، ص ۱۲). آنچه در این مکتوبات و اعلامیه‌های تاریخی قابل دقت و پژوهش است نوع نگاه و منطق گفتاری مندرج در آن است. استفاده از واژه‌هایی مثل «پوشیدن لباس عزت» و «خلع لباس ذلت» و مفاهیمی که از فرهنگ سیاسی شیعه منبعث شده است ما را به

موضوع مهم‌تر و ژرف‌تر تکوین سیاست دینی شیعه در دوران قاجار و سیر تحولات آن سوق می‌دهد (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۷۱).

نکته مهمی که در این اقدامات وجود دارد این است که برای رسیدن به خودکفایی و استقلال اقتصادی و رونق تولیدات داخلی بر حرکت و اقدام ملی مبتنی بر قناعت و پرهیز از تجمل تأکید فراوان شده است؛ چنان‌که حاج آقا نورالله اصفهانی در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرماید:

امروزه بر ملت ایرانیه و حوزه اسلامی لازم و متحتم که در رفع احتیاج از خارجه به قدر مقدور و اندازه میسور بکوشیم؛ یعنی لوازم زندگانی را ... تا آخرین درجه امکان از اتمعه داخله خود استعمال نمایم و تا در مملکت خود، اگرچه به اضعاف قیمت و خشن باشد، دربند ظرافت نباشیم و از خارجه نخریم و این اقتصاد ملکی و ملی را کار بندیم و سرمایه و نقود را به خارجه نسپاریم (همان، ص ۱۸۳، به نقل از روزنامه جهاد اکبر، ۱۳۲۵ق، ش ۱۴).

استقبال از محصولات این شرکت، که در حوزه نساجی فعالیت می‌کرد، روز به روز افزایش یافت. از این‌رو، برای لباس‌های رسمی نیروهای نظامی، مدارس علمیه و مدارس جدید از منسوجات این شرکت استفاده می‌شد (حبل‌المتین، ش ۱۰، ص ۱۱؛ انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵ق).

۳. گستره فعالیت شرکت

با اقدامات انجام‌شده و استقبال و حمایت‌های فراوان از محصولات شرکت مزبور، شرکت به سرعت توانست توسعه یافته و قلمرو فعالیت خود را از شهر اصفهان فراتر برد و در بیشتر شهرهای ایران شعبه دایر کند. گسترش توفیق شرکت تا حدی بود که فعالیت آن فراتر از مرزهای ایران هم رفت و شعبه‌هایی از این شرکت در شهرهای پاریس، لندن (با وکالت حاجی میرزا اسدالله کاشانی و حاجی علی‌اکبر صاحب شیرازی)، مسکو (با وکالت میرزا محمدجواد مشکو اصفهانی و میرزا علی محمدخان کاشانی مدیر روزنامه ثریا)، اسلامبول (با وکالت حاجی میرزا محمدشفیع آقا امین‌التجار اصفهانی)، بمبئی (با وکالت حاجی سلطان‌علی شوشتری و حاجی محمدجواد عرب کرمانی)، کلکته (با وکالت مؤیدالاسلام مدیر روزنامه حبل‌المتین)، بغداد (با وکالت حاجی سیدمحمدکاظم اصفهانی و حاجی سیدحسین افندی اصفهانی)، بادکوبه (با وکالت حاجی زین‌العابدین تقی اوف)، قاهره، و... نیز ایجاد شد.

با توسعه فعالیت اقتصادی شرکت، حوزه کاری شرکت از حوزه نساجی فراتر رفت و به برخی امور مهم اقتصادی، مثل حوزه حمل و نقل و ساختن راه‌آهن، راه‌اندازی کارخانه نخ‌ریسی و به تعبیر آن زمان، «ریسمان‌تابی» نیز گسترش یافت.

۴. به خطر انداختن منافع استعمار

گسترش روزافزون «شرکت اسلامیة اصفهان»، که با هدف مقابله با نفوذ و سلطه اقتصادی استعمارگران شکل گرفته بود، موجب لطماتی به منافع بیگانگان شد، به گونه‌ای که روزنامه‌ها و نمایندگان انگلیس، توسعه آن را سخته به منافع انگلیس در تمام منطقه خلیج فارس اعلام کردند:

معلوم می‌شود ایرانیان اندک اندک از خواب غفلت بیدار شده و قدر و اهمیت تجارت، خاصه تجارت شرکت را نیکو دانسته، چیزی که در این شرکت اهمیت دارد این است که علمای این ملت نیز در آن شرکت دارند و مشوق‌اند. و اگر این شرکت معتبر شود، سخته بزرگی به تجارت انگلیس در اصفهان، بلکه در خلیج فارس وارد آید. و باید تجار ما نوعی رفتار کنند که در آینده، بازار تجارتشان از رونق نیفتد، والا عن‌قریب باید منتظر خبر بود که بازار تجارت ما در اصفهان بسته شود (ثریا، ۱۳۱۷ق، ش ۴۷، ص ۱۱، به نقل از: روزنامه کامیرشل انگلیس).

رشد روزافزون معاملات و عایدات «شرکت اسلامیة اصفهان» به قدری زیاد بود که سفارت انگلیس را در معرض موضع‌گیری و چاره‌اندیشی قرار داد، تا جایی که سفارت انگلیس در یادداشتی به وزارت امور خارجه کشورمان نوشت:

از قرار اطلاعاتی که از اصفهان می‌رسد، علمای آنجا بیشتر بر ضد تجارت خارجه می‌باشند... علناً می‌گویند که مردم نباید امتعه خارجه را بخرند... جناب آقا نورالله در مسجد، چند روز قبل از این گفته بودند که این اقدام، اقدام وطن‌خواهی است که تجارت داخله را ترغیب و تجارت خارجه را خارج کنند... [با این اقدام] مشتریان داخله ورشکست خواهند شد و تجار خارجه خانه‌های خود را از اصفهان بر خواهند داشت، و در شهرهای دیگر ایران هم همین‌طور خواهد شد. این فقره اسباب خرابی مملکت است (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۶۳-۶۴).

بر همین اساس، انگلیسی‌ها برای جلوگیری از خطر شرکت، به حيله و نیرنگ متوسل شدند و سعی کردند با استفاده از اختلافات مسلمانان و اهل کتاب به اقدامات شرکت لطمه زده، مانع موفقیت‌های آن شوند. اما این طرح ظاهراً بسیار به‌موقع از جانب اندیشمندان طرفدار «شرکت اسلامیة» لو رفت و آنها از طریق اطلاع‌رسانی به مردم، تا حد زیادی این نقشه را ختثا کردند. از سوی دیگر، هوشیاری اقلیت مسیحی نیز نقشه انگلیس را ختثا می‌کند. در همین خصوص، خلیفه پادری [یکی از القاب روحانیان مسیحی] پاسکال معلم روحانی ارامنه و مسیحیان اصفهان طی نامه‌ای به مدیر روزنامه حبل‌المتین، کذب ادعای انگلیس را فاش ساخت:

از دیدن این خبر خیلی متألم شدم... به‌طور یقین، عرض می‌کنم که از زمانی که شاه عباس صفوی ماها را به ایران کوچانید، در ضمن این مدت، که تقریب سیصد سال است، هیچ زمان طایفه ما

آسوده‌تر و راحت‌تر از زمان سلاطین قاجار نبوده [است]. همچنین علمای اصفهان همیشه ما را محترم می‌داشته و می‌دارند و در کمال دقت، به امور راجعه به ما اقدام می‌فرمایند. با این لطف دولت و ملت، راضی نیستیم کسی این تهمت بزرگ را به ما بزند. خواهش داریم این مطلب را در روزنامه درج و ما را از بدنامی بیرون آورده، آسوده دارند (حبل المتین، ۱۳۱۷ق).

در مجموع، حرکت جهادی حاج آقا نورالله اصفهانی در عرصه اقتصادی، که با همیاری و حمایت سایر علما و اقشار مردم همراه شد، موجب گردید برخی از مشکلات جدی کشور در عرصه اقتصادی با یک حرکت جهادگونه حل شود و در عصری که عصر امتیازات استعماری روس و انگلیس در ایران بود، تا حدی از سلطه اقتصادی بیگانگان بر کشور جلوگیری نمایند. امیدواریم هریک از اقشار امروز جامعه ما نیز با چنین اقداماتی بتوانیم گامی مهم در جهت جهاد اقتصادی برداریم و امروز، که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران به موفقیت‌های روزافزون جهانی رسیده است، در این عرصه نیز بتوانیم موفقیت‌هایی را کسب کنیم و کارآمدی نظام اسلامی و حکومت دینی را در عرصه‌های گوناگون به رخ جهانیان بکشیم.

صدور فتوا و اعلامیه در تحریم کالای خارجی و ترویج کالای داخلی

یکی از اقدامات علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانیان و مسلمانان، صدور اعلامیه‌ها و فتاوای گوناگون مبنی بر تحریم کالاهای خارجی و حمایت از کالاهای داخلی و ترویج فرهنگ استفاده از پارچه، لباس، کاغذ و انواع کالاهای صنایع داخلی و ایرانی است. علت صدور این فتاوا و اعلامیه‌ها آگاهی علمای شیعه از پیامدهای منفی ورود بی‌رویه کالاهای خارجی به کشور بوده است. مرحوم آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبائی، معروف به «صاحب عروه»، از علمای بزرگ شیعه در پاسخ به سؤالی در همین زمینه می‌نویسند:

آنچه نوشته بودید، از تربت مفاسد بر حمل اجناس از بلاد کفر به محروسه ایران - صانها الله تعالی عن حوادث الزمان - صواب، و همیشه ملتفت به آنها و اصناف آن، که مایه خرابی دین و دنیای مسلمین است، بوده‌ام و از اقدام شما در تهیه دفع آنها، که باید از محض غیرت دین و خیرخواهی مسلمین باشد، زیاده مسرور شدم (آیت‌اللهی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۴-۱۷۷).

در این بخش، به نمونه‌هایی از این اعلامیه‌ها و فتاوا اشاره می‌شود. تحریم کالای خارجی و ترویج کالاهای داخلی بنا به علل گوناگون و برای رسیدن به اهداف متفاوتی صورت می‌گرفت که مستند به متون این فتاوا و اعلامیه‌ها علل و اهداف این اقدامات بیان می‌شود:

۱. علل تحریم کالای خارجی و ترویج کالای داخلی

الف. حفظ و افزایش ثروت ملی و سرمایه اسلامی - ایرانی: یکی از اهداف تحریم کالای خارجی و ترویج کالاهای داخلی حفظ ثروت ملی و جلوگیری از خروج سرمایه و پول مسلمانان به سرزمین کفر بوده است. آیت الله آخوند خراسانی و آیت الله ملا عبدالله مازندرانی، از مراجع بزرگ نجف، که فتاوی آنها به تعبیر کسروی، مهم ترین عامل حضور مردم و سردارانی همچون ستارخان و باقرخان در نهضت مشروطیت بوده، در سال ۱۳۲۹ ق در اعلامیه ای که علیه استفاده از کالاهای خارجی داده اند، هدف از این اقدام را جلوگیری از خروج ثروت مملکت و منابع داخلی بیان کرده اند:

... عموم غیرتمندان اسلام و پیروان حضرت خاتم النبیین - صلی الله علیه و آله الطاهرين - البته این معنی را تا به حال فهمیدند و به رأی العین می بینند که استعمال امتعه خارجه در بلاد اسلامی، تا به حال به چه درجه موجب ذهاب ثروت مملکت و نسخ منابع داخله و فقر و فلاکت ملت و تسلط کفار بر مسلمین داخله و فقر و فلاکت ملت و تسلط کفار بر مسلمین شده (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۸۱).

مرحوم شیخ محمد اسماعیل محلاتی، از علمای نجف در دوره مشروطه، نیز در اعلامیه ای که در تحریم کالاهای خارجی صادر کرد، به این نکته اشاره نمود که استفاده از کالاهای خارجی از دو جهت موجب کاهش ثروت ملی خواهد شد.

وجه اول این است که مصرف کالای خارجی موجب می شود ثروت و مال ایرانیان و مسلمین به جیب اجانب برود و لذا، برای احتراز از این مسئله، باید از مصرف این کالاها پرهیز کرد:

پر واضح است که امتعه و اقمشه، که از طرف اجنبی بر ما وارد می شود، آنچه مخارج برده از گمرک و کرایه جهاز و... سرکش قیمت آن امتعه نموده، از ما می گیرند. پس درحقیقت، همه آن مصارف از جیب ما داده می شود و همه آن ادارات به اندازه خود، به پول ما دوران می یابد [اداره می شود]... در حقیقت، تجارت اروپاییان با ما ایرانیان وسیله ای است برای آنکه اموالی از ما استنقاد شود [دریافت شود] و از جنگال ما بیرون رود به مصرف تقویت دول و عمارت بلاد آنها برسد (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۴۴).

وجه دوم این است که مصرف کالای خارجی موجب تضعیف صنعت و تولید داخلی شده، از این نظر، موجب کاهش ثروت ملی می شود:

استعمال آنها [یعنی: کالای خارجی] و به همان اندازه، بلکه بالاتر، اعراضشان از اجناس و حرف وطنیه و ترک نمودن آن باعث مزید رواج آنها و موجب مزید اندراس [کهنه شدن] اینها [یعنی: کالای داخلی] گردید و حرف و صنایع مملکتی که سبب استعجاب و وجه نقدیه بود، منسوخ شد و آن وجه نقدیه از ما منقطع شد، و آن قوافل [قافله ها] طلا و نقره که هر ساله در خانه های ما وارد شده و منزل می گزید؟ به طرف ممالک اروپا رهسپار شد و خانه های فرنگیان را منزلگاه خود قرار داد و دست ما از آن اموال تهی و در مقابل جیب آنها پر شد (همان، ص ۴۴۲-۴۴۳).

در اساسنامه «شرکت اسلامیۀ اصفهان» نیز - همان گونه که قبلاً گذشت - یکی از اهداف تأسیس این شرکت جلوگیری از خروج ثروت داخلی به خارج از کشور ذکر شده بود. وقتی در سال ۱۳۰۵ «اتحادیۀ اصناف اصفهان» قطع نامه‌ای با عنوان «وطن در خطر است» صادر نمودند و نسبت به مرگ اقتصادی ایران بر اثر «ورود امتعۀ بی مصرف» هشدار داد و تصمیم گرفتند «من بعد، حتی المقدور از امتعۀ اجانب احتراز کرده» و به تولیدات داخلی قناعت نمایند، حاج آقا نورالله اصفهانی نیز با صدور اعلامیه‌ای با عنوان «اسلام در خطر است»، حرکت اتحادیۀ مزبور را این گونه تأیید نمود:

امیدوارم اول کسی که تأسی به آن هیئت محترمه نماید این جانب و هر کس بستگی به این جانب داشته باشد، بوده باشند و رفته رفته امتعۀ داخله رواج و احتیاجات از خارجه بالمره مقطوع و ثروت مملکت زیاد و شوکت و اقتدار و عزت اسلام و مسلمین فوق العاده بشود و توازن صادرات و واردات ایران کاملاً بشود (بصیرت منش، ۱۳۷۸، ص ۲۹۲-۲۹۳).

ایشان همچنین در رسالۀ مقیم و مسافر که در عصر مشروطیت نوشت و به نقد حاکمیت استبدادی و آثار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن پرداخت، یکی از آثار اقتصادی حکومت استبدادی را، که از لحاظ اقتصادی وابستگی به خارج است، اعطای امتیازات به بیگانگان و خروج ثروت و پول از کشور ذکر کرد:

اگر اندک تأملی بشود همین اعمالی که اسمش «تجارت» و «صناعت» گذارده‌ایم اسباب فقر و فاقۀ دولت ما شده؛ چراکه تجار ما در واقع، مزدور اجانب می‌باشند به اجرت بسیار مختصری. به علت اینکه در سال، چندین هزار تومان ما را از طلا و نقره حمل به خارج می‌نمایند و اجانب همین پول‌ها را اسباب محموله تجارت می‌نمایند و سالی گُرورها (یک کرویر معادل نیم میلیون است) از مملکت ما جلب می‌نمایند (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۳۹۰).

ایشان راه مقابله با این اقدام را ایجاد امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری داخلی و تأسیس کارخانجات در داخل کشور و تقویت کشاورزی به شیوه علمی، به منظور بازگشت ثروت کشور به داخل می‌دانند:

باید اسباب کسب و تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت به قدر واردات باشد که این قدر پول از ایران خارج نشود. ... و بالمره سرمایه تجارت از دست نرود... باید به رعایا اطمینان داد که پول‌های خودشان را به کار بیندازند و اشخاص که در خارج رفته‌اند تجارت و صنعت می‌نمایند به مهمانی و امنیت تامه به مملکت وارد کرد و آنها را تشویق کرد تا فواید تجارت و مناعت آنها عاید مملکت شود. نروند پول‌های خودشان را در بانک‌های خارجه از قرار صد، پنج بگذارند و در داخله پول نابود شود (همان، ص ۳۸ و ۳۹)... اگر کارخانه ریسمان و نساجی داشتیم... قهراً رفع حاجت و مزید ثروت و ترقی مملکت می‌باشد و هم فلاح [کشاورزی] که در واقع، معدن معتبر ایران است... اسباب هزارگونه ثروت بود (همان، ص ۳۹۱).

آیت الله سید عبدالحسین لاری، از شاگردان میرزای شیرازی و عالم برجسته منطقه فارس و لارستان، که در اواخر دوره قاجاریه اقدام به تشکیل حکومت محلی در این منطقه نمود، در پاسخ به سؤالی مبنی بر حکم استفاده از کالاهای خارجی، حرمت استفاده از این کالاها را به خروج ثروت ممالک اسلامی به ممالک بیگانه و کمک به کفار مستند ساخت:

امروز آنچه پول از بلاد اسلامی به بلاد خارجی می رود اعانت [کمک] به اعداء دین و استعداد [آمادگی] کفار است برای ریختن خون اسلام و مسلمین. [پس] حرام است استعمال آنها سیاست و دیانتاً حفظاً للاسلام و المسلمین مگر در صورت اضطراب و عدم وجود اشیاء وطنی اسلامی... (آیت اللهی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۳-۱۷۴).

ب. حمایت از تولید و صنایع داخلی و استقلال اقتصادی: یکی از اهداف اصلی تحریم کالاهای خارجی توسط علمای شیعه حمایت و تقویت تولیدات و صنایع و حرفه های داخلی کشور و رونق کارخانجات و جلوگیری از تعطیلی کارگاه ها و کارخانه ها و آبادی و عمران کشور بود. آیت الله شیخ محمد/اسماعیل محلاتی، از علمای نجف اشرف، که در زمینه اندیشه و نظریه سیاسی دارای نظریات جالب توجه و مهمی است، در اعلامیه ای که در ابتدای مشروطیت منتشر شد، به بحث رواج کالاهای خارجی و تأثیر آن بر زوال اقتصاد و تولیدات داخلی اشاره کرده، می نویسد:

بدین واسطه [رواج کالاهای خارجی]، حَرَف و صنایع ایرانیه رو به انحطاط و اندراس گذاشت و فقر و پریشانی ما بین صاحبان آن حَرَف و اجزاء و حواشی آنها بالا گرفت. چه خانواده ها که برچیده و چه کارخانه ها که بسته شد... آیا دیگر سزاوار نیست که از خواب غفلت بیدار شویم و اموال خود را مصرف در آبادی مملکت و قوت مذهب و ملت خود نماییم و چشم از زخرفه [تزینات] و صورت سازی امتعه خارجه بیوشیم و به اجناس وطنیه اسلامی خود - حتی المقدور - اکتفا کنیم و حَرَف و صنایع خود را تدریجاً توسعه و ترقی دهیم و ذلت مسلمین را، که از حد گذشته، به عزت مبدل نماییم و ممالک اسلامی، که موطن شریعت حق الهیه است، معمور و آباد کنیم (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۴-۳۴۵).

ایشان همچنین معتقدند: مسئولان حکومتی، اعم از شخص شاه و درباریان و اطرافیان و همچنین نمایندگان ملت در مجلس شورا و علمای دینی و طلاب حوزه های علمیه نیز وظیفه دارند با استفاده از کالاهای داخلی و اقدامات دیگر، برای حمایت از این موضوع و تبلیغ کالاهای داخلی و ترویج فرهنگ مصرف کالاهای داخلی، تلاش نمایند:

شخص سلطنت که بایست خیرخواه رعیت و دلسوز نوع [مردم] باشد ...، وکلاء ملت که بایست عقول منتخبه مملکت بوده باشند و صلاح و رشاد نوع را در کلیه امور ارائه دهند... چه قدر در حق آنها خوشایند و زیباست و در انظار همه نیکو و مستحسن است که اولاً قامت خود را به البسه

اسلامیه مُخَلَّع نمایند [لباس اسلامی بپوشند]، پس از آن در مقام تقنین قوانینی که از مُعدّات [کمک‌کننده] این امر است، برآیند (همان).

ایشان معتقدند: اگر مسئولین و بزرگان مملکت این‌گونه عمل کنند «سایر اعیان و اکابر» از آنها پیروی نمایند، و اگر «عموم علمای مملکت و قاطبه حواشی و اجزاء علوم دینی که قائل ملتند و چشم نوع مردم به افعال آنهاست... در مقام خلع و لبس برآیند، ملابس اجنبیه را قدراهمکان بریزند و از آنها تجنّب کنند و البسه وطنیه» را استفاده کنند، «کارخانجات لازمه در بلاد اسلامیه به اسرع وقتی دایر و جاری خواهد شد» (همان).

آیت‌الله سیدمحمدکاظم یزدی، از مراجع تقلید شیعه در عصر مشروطیت، در نامه‌ای، که ظاهراً به یکی از تجار نوشته، نسبت به نفوذ خارجی‌ها در صنعت و اقتصاد و ضعف تولید در میان مسلمانان و روی آوردن به دلالی و واسطه‌گری در معاملات به جای تولید، ابراز نگرانی کرده و مسلمانان را به کار و تولید برای رسیدن به استقلال اقتصادی تشویق نموده است:

در این زمان، که خارجه به انواع حیل، رشته کسب و صنایع و تجارت - که مایه عزت و منشأ ثروت است - از دست مسلمین روده و منحصر به خود نموده و مثل خون در مجاری عروق ایشان را سخ و نافذ شده و شغل اهل اسلام به تدریج، منحصر به دلالی و بیع و شراء اجناس خارجه شده ...، مناسب است مسلمین از خواب غفلت بیدار شوند و به تدریج، رفع احتیاجات خود را از خارجه بنمایند و به تأییدات ربانیه، از ذل فقر و احتیاج و سؤال و تحمل عملگی کفار و تشتت در بلاد کفر برهند... (ابوالحسنی، ۱۳۸۶).

ایشان در ادامه، مؤمنان را - حتی الامکان - به استفاده از لباس‌ها و کالاهای اسلامی و داخلی توصیه می‌کنند:

امیدوارم اخوان مؤمنین اقتدا و تأسی به رؤسای ملت نموده، بر حسب غیرت اسلامیت - مهما امکن [هر قدر ممکن است] - اقتصار به همان ملبوسات اسلامی نمایند، بلکه در تمام اثاث الیبت خود، تا ممکن است، اکتفا به مصنوعات اسلامی نموده و در ملبس و مطعم و مسلک خود، از شباهت به کفار پرهیزند (همان، ص ۱۶۲).

آیت‌الله آقاجفی اصفهانی در نامه‌ای، که به روزنامه حبل‌المتین برای تشکر از مقالات این روزنامه در تأیید و حمایت از «شرکت اسلامی اصفهان» نوشت، بر بحث «ضرورت توسعه صنایع داخلی» تأکید ورزید:

رجاء دارم که به حسن اهتمام علماء اعلام و توجه اسلامیان، موجبات رواج صنایع و امتعه اسلامیه زیاده بر این، یوماً فیوماً در ترقی و شیوع بشود ... باید سعی و اهتمام در تکمیل صنایع و امتعه اسلامیه و ترغیب مسلمانان در استعمال نمود (حبل‌المتین، ش ۱۹، ص ۱۷).

آیت الله شیخ محمدعلی شاه آبادی در کتاب *شذرات المعارف*، به ترویج عقاید باطل و اخلاق رذیله و رفتارهای ناشایست در مملکت اسلامی اشاره می کند و معتقد است: بسیاری از متدینان صرفاً اظهار تأسف از وقایع مذکور اکتفا می نمایند و دنبال علاج درد و راه حل نیستند. ایشان یکی از راه های مناسب برای اعتلای دینی در جامعه را حمایت از شرکت ها، صنایع و زراعت داخلی می داند: «ایجاد شرکت از روی قواعد علمیه، برای تجارت مشروعه و صناعت و زراعت و ترویج البسه و اقمشه مصنوعه اسلامی و مملکتی» (شاه آبادی، ۱۳۶۰، ص ۸).

تأکید بر استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای خارجی، در فتاوی علمای مکرر آمده است. در روزنامه *حبل المتین* مطلبی با عنوان «قابل توجه اسلام خواهان و وطن شناسان ایران» منتشر شده که استفتائات مردم از علمای مبنی بر حکم استفاده از کالاهای خارجی در صورت امکان و استفاده از کالاهای ایرانی و پاسخ علمای به این سؤالات را مطرح کرده است. در متن پاسخ های علمای، بر استفاده از کالاهای داخلی ساخت کشورهای اسلامی تأکید شده است. در یکی از این پاسخ ها آمده است: «طریقه نجات، استعمال مصنوعات بلاد مسلمین است».

در پاسخ دیگری آمده است: «مقتضی فطرت اسلام آن است که رغبت اهالی در امتعه مسلمین و ترویج امتعه آنها باشد، نه کفار» (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰).

در ادبیات بیانیه ها و اعلامیه های علمای، بحث استقلال اقتصادی و رفع نیاز به بیگانه نیز از جمله مطالب مهم و پررنگ است که هم در تحریم کالاهای خارجی و هم در ترویج کالاهای داخلی محل استناد علمای قرار گرفته است. آیت الله میرزا فتح الله شریعت اصفهانی در تأیید فعالیت های اقتصادی داخلی، مثل «شرکت اسلامیة اصفهان»، به قبح وابستگی به بیگانه و استفاده از متاع خارجی با این عبارت ادبی اشاره می کند: «نان خود بر سفره مردم خوردن، به نعمت خویش منت از دیگری بردن و خانه همسایه سوختن و چراغ اجانب افروختن و جامه خویش دریدن و کلاه بیگانه دوختن نه کار عقلاء است» (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

آیت الله صدر اصفهانی نیز در واکنش به تأسیس «شرکت اسلامیة اصفهان» و تولید منسوجات داخلی، یکی از مهم ترین آثار این حرکت را، که نسبت به تحقق آن ابراز امیدواری می کند، رفع احتیاج و وابستگی به بیگانه است: «رجاء واثق ... مسلمانان در گرفتاری به کفار، که آنی زندگانی به غیر مطاع کفر نتوانند و ممالک محروسه اسلام از احتیاج به کفرستان مستغنی گردد...» (ثریا، ۱۳۱۷ق، ش ۱۳).

آیت‌الله حاج میرزا خلیل تهرانی نیز شبیه همین امید و آرزو را دارند: «امیدوارم قسمی شود که اهل ایران به هیچ وجه من الوجوده، محتاج به آوردن و طلبیدن اجناس خارجه نشوند» (جبل‌المتین، ش ۱۹، ص ۱۵).

آیت‌الله مامقانی نیز در واکنش به تأسیس این شرکت و تولید لباس‌های داخلی و اسلامی، از اینکه این کار موجب استقلال از بیگانه و رفع احتیاج به اقتصاد آنها می‌شود، ابراز خرسندی می‌کند:

بحمدالله تعالی، فراهم شدن اسباب تداول [رواج] منسوجات اسلامی و سد ابواب حوائج مسلمین از ممالک، از نعم عظیمه این عصر بابرکت است. چه قدر شایسته است که عموم مسلمین با کمال شوق و اتحاد کلمه، در رواج آن هجر منسوجات ممالک خارجه، که سبب اختلال امور کافه مسلمین شده، جد و جهد نموده، اسلام را رونقی تازه داده و با اتفاق کلمه، اسلامیة مسلمین را آسوده نمایند (ثریا، ۱۳۱۷ق، ش ۱۳).

ج. تضعیف نفوذ نظامی دشمن و حفظ عزت و استقلال سیاسی: آقاجنقی/اصفهانی در اواسط مشروطه اول، اعلامیه مهمی منتشر و در هشت بند، وظایف سیاسی - اجتماعی مردم را مشخص کرد. ماده چهارم این اعلامیه، درباره ترویج لباس‌های اسلامی و کالاهای ایرانی است. در این بند چنین آمده است:

... چهارم آنکه چون اجانب چند سال است به ترتیب معامله به بلاد محروسه مسلمین پیدا نموده‌اند و البسه و امتعه خود را رواج دادند، حالا راجع و صلاح آن است که مسلمانان به قدر امکان، سعی در ترویج و معاملات در ملبوسات اسلامی و امتعه ایرانیه نموده باشند که - مهما ممکن - حاجت مسلمین به ملبوسات و اموال خارجی کم شود. و این مطلب تدریجی الحصول است. باید هر کس بر حسب وسع، در امانت خودش، در این ترتیبات حسنه، جد و جهد نمایند (نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶).

درگیری‌ها و ناامنی‌های به وجود آمده در جریان نهضت مشروطیت، موجب شد روس و انگلیس در سال‌های ۱۳۲۷ - ۱۳۳۰ بخش‌هایی از مناطق شمال و جنوب را به بهانه ایجاد امنیت برای اتباع و تجارت خود، عملاً تحت اشغال درآوردند. در این میان، تجاوزگری روس جلوه بیشتری پیدا کرد و در جریان تهدید معروف روس در اواخر سال ۱۳۲۹ به اوج خود رسید. علمای شیعه ضمن اهتمام به مقابله با اشغال کشور، اقدامات متعددی انجام دادند. یکی از این اقدامات، صدور اعلامیه توسط تعدادی از علمای اصفهان به همراه برخی از تجار، در اوایل سال ۱۳۲۹ بود. آنها در این اعلامیه، با تأکید بر حفظ مصالح اسلام و مسلمانان، بر خود «فرض ذمی» دانستند که از معامله با شعبه بانک روس و نیز استفاده از برخی کالاهای رایج روسی مثل قند و شکر و چای پرهیز نموده، مسلمانان را نیز به همراهی در این کار دعوت نمایند. مردم از این دعوت استقبال کردند و موجب فشار روس‌ها به آقاجنقی برای رفع این حکم گردید (زاینده‌رود، ۱۳۲۹ق، ش ۱۰).

بنابه نقل روزنامه زاینده رود در مورد پیامدها و اثرات مثبت اعلامیه مذکور و استقبال مردم از آن، تجار اصفهان به خاطر اعتقادات و احساسات اسلامی و مذهبی خود، اولین افرادی بودند که از این حکم اطاعت نمودند. آنها به طور یکپارچه، به افراد طرف معامله خود تلگراف زدند که از این تاریخ به بعد، کالاهای روسی را نه به طور امانت و نه به طور خالصه برای آنها خریداری و حمل نکنند. همچنین اهالی اصفهان هر روز در صدد افزایش این حرکت دفاعی اقتصادی بودند که موجب انزوای بیگانگان می شد. این روزنامه اظهار داشت: این آخرین امتحان ایرانیان است که باید در این مرحله، کمال لیاقت و استعداد خویش را به جهانیان اثبات کنند. ملت ایران به اقتضای دیانت خود، یا باید با سیادت و عزت زندگی کند، یا به سعادت و شهادت بمیرد. ملت ایران به دلیل هوشیاری فطری و تعلیمات مذهبی، ملتی نیست که تن به اسارت دهد و تسلیم خواش اجانب گردد (همان، ش ۲۵، ص ۲). استقبال و تبعیت مردم برای روس ها مشکلاتی جدی فراهم کرد. بر همین اساس آنها در پی فشار به آقاجنقی برای رفع حکم برآمدند. در تلگرافی که از نظمیه صادر شده آمده است:

به حضرت آیت الله آقاجنقی عرض کرده اند که قنصل می گوید: اگر شما امتعه روس را حرام نموده اید، چه علت دارد؟ اگر انجمن ولایتی این حکم را کرده، مؤاخذه خواهیم نمود. حضرت آیت الله جواب داده اند: من بگذر، امتعه روس را استعمال نخواهیم کرد. مسلمین هم به وظیفه خود عمل خواهند کرد. آسوده باشید (شریف کاشانی، ۱۳۶۲، ص ۶۹۷).

در اعلامیه ای که علمای شیراز پس از اشغال سرزمین ایران توسط قوای روس و انگلیس به اصفهان مخابره کردند، به تحریم کالاهای خارجی و قطع روابط با بیگانه با هدف حفظ استقلال سیاسی کشور، این گونه اشاره کرده اند:

... علما و تجار و اعیان فارس اجتماع نموده و برای حفظ استقلال اسلامیت و ملیت و دفاع از تهاجمات خانمان ویران کن دولتین متجاوزتین، تحریم امتعه و قطع روابط ملی را یگانه علاج قومیت دیدند... امیدواریم آن آقایان نیز اضمحلال دیانت و قومیت ایرانیان را در نظر گرفته، هر چه زودتر به تحریم امتعه دولتین اقدام فرمایند، و از اولیای امور مرکزی نیز درخواست می شود که کمال مراقبت را در فیصله امر با دولتین نمایند که ذره ای از لوازم حفظ استقلال داخلی و خارجی ایران فروگذاری نشود... (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۸۸-۸۹).

مرحوم آخوند خراسانی نیز در جواب نامه تهدیدآمیز روس ها، که از تحریم کالاهای روسی شکایت کرده بودند و ضمناً تهدید به واکنش متقابل نموده بودند، یکی از علل اصلی این تحریم را نادیده گرفتن مناسبات حسن همجواری و بین المللی و تهدید استقلال سیاسی ایران توسط روس ها بیان نمود:

کارگزاران دولت بییه روس نسبت به ایران به هیچ وجه، نوامیس و دادیه [روابط دوستانه] و مناسبات

جواریه [همجواری و همسایگی] را لازم‌الرعايه و حقوق بین‌المللی را محترم نمی‌دارند... ابقاء قشون روسیه در ایران... اسباب تزلزل کلی و منافی استقلال مملکت بوده و هست... در چنین صورت، بر هر فرد ایرانی و بلکه بر هر مسلمانی، خصوصاً مقام روحانیت اسلامی، که حفظ ثغور و استقلال ممالک اسلامی را ذمه‌دار است [بر عهده دارد] فرضیه حتمیه خواهد بود که در مقام دفاع از حقوق مسلمین و حفظ حوزه اسلامی بر حسب مناسبات و مقتضیات از هر اقدامی فروگذاری نکند (همان، ص ۱۰۰-۱۰۱).

حفظ عزت مسلمانان و مملکت اسلامی نیز از جمله اسباب موردنظر علما در این‌گونه اقدامات بوده است. آیت‌الله شریانی در تأیید تأسیس «شرکت اسلامیة اصفهان» به‌عنوان یک امر مطلوب، می‌نویسد: «امری که مصالح دینیه و دنیویه و رفاهت حال عموم مسلمین و آبادی ممالک محروسه ایران و زیادتى آبروی ملت اسلامیة و ترقی دولت قاهره علیه در آن باشد، بهتر از این شرکت نفعه اسلامیة به نظر نمی‌آید» (ثریا، ۱۳۱۷ق، ش ۱۳).

د. رشد معنوی و اخلاقی جامعه و حفظ استقلال فرهنگی: علمای شیعه در این‌گونه اقدامات اقتصادی خود، صرفاً به منافع و مصالح سیاسی و اقتصادی نظر نداشتند، بلکه مصالح فرهنگی و مذهبی را نیز مد نظر داشتند و یکی از آثار نفوذ اقتصادی و گسترش مصرف کالاهای خارجی را نفوذ فرهنگی و مذهبی دشمن می‌دانستند و تحریم این کالاها را با هدف ممانعت از نفوذ فرهنگی دشمن انجام می‌دادند. به تعبیر دیگر، حفظ سرمایه‌های مذهبی و فرهنگی نیز از اهداف این اقدامات بود. آیت‌الله آخوند خراسانی و آیت‌الله مازندرانی در اعلامیه‌ای که در مقابله با استفاده از کالاهای روسی صادر کردند، پس از اشاره به ضررهای اقتصادی ناشی از مصرف کالاهای خارجی - که دربخش قبل به آن اشاره شد - به آثار فرهنگی آن اشاره دارند:

استعمال امتعة خارجه در بلاد اسلامیة... حالا به ذهاب بیضه اسلام [از بین رفتن اصل اسلام] و زوال اسلامیت مملکت هم - العیاذ بالله تعالی - نوبت رسیده. بقاء سالدات [نیروی نظامی] روس به بهانه حفظ تجارت روسیه در ایران، تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه منوره حضرت ثامن الائمه - صلوات الله علیه - خدای نخواست، مؤذی خواهد بود (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

همچنین یکی از علل و اهداف پرهیز از کالاهای خارجی و ترویج و استفاده از کالاهای داخلی توجه به آثار معنوی و اخلاقی و روحی این کار است. در بیانات علمای بزرگ، به نمونه‌هایی از آثار بد استفاده از کالاهای خارجی و آثار مطلوب استفاده از مصنوعات داخلی اشاره شده و ترویج کالاهای داخلی را به‌سبب آثار مثبت معنوی و اخلاقی آن تمجید و تعریف کرده‌اند. مرحوم میرزا حسین نوری در نامه‌ای که به حاج آقا نورالله اصفهانی در تمجید از تأسیس «شرکت اسلامیة اصفهان» نوشت، به فواید این کار اشاره کرد و یکی از فواید این کار را رفع احتیاج به بیگانگان دانست که موجب می‌شود مراوده و

اختلاط و معاشرت با کفار کمتر شود و این خود بر روح و روان افراد و دین‌داری آنها تأثیر می‌گذارد؛ زیرا معاشرت و مراوده با کفار و مشابهت به آنها موجب رسوخ محبت آنها در دل مسلمانان خواهد شد. بر همین اساس می‌نویسد:

با چنین قلب ویران و هیأت عدوی ایمان، برای حضور در محضر قدس حضرت الهی و اظهار عبودیت و احتیاج، و استدعای انجام حوائج محلی و به جهت اجابت و دعا و دفع مکاره و بلا، جای امیدی نخواهد ماند... نوع مسلمان‌ها سال‌هاست اثر اجابت در دعای خود نمی‌بینند... ندانستند که اول شروط اجابت، پاکیزگی مطعوم و ملبوس است و هرچه در آنها مذاقه کنند اثرش را در آنجا مشاهده نمایند (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

این عالم بزرگوار بر اساس متون دینی، اولین شرط استجابت دعا را پاکیزگی و طهارت لباس و غذای انسان می‌داند و تأکید می‌کند که منظور از «پاکیزگی»، صرفاً پاکیزگی ظاهری نیست، و پاکیزگی مورد نظر در کالاهای تولیدشده توسط بیگانگان و کفار وجود ندارد؛ زیرا:

با دست خبیث‌آلوده به اقسام معاصی و ملوث به انواع قذارات [نجاسات] و زبان پلیدی مثل آن، توقع پاکیزگی از ملبوس بافته او داشتن، عین سفاقت، و به مجرد طهارت و حلیت ظاهر قناعت کردن، تمام خسارت است (همان، ص ۵۳).

آیت‌الله حاج میرزا خلیل تهرانی نیز در نامه‌ای که خطاب به حاج آقا نورالله اصفهانی نوشت، به همین اثر معنوی و اخلاقی این‌گونه اشاره کرده است: «امیدوارم... این مأکول [خوردنی] و ملبوس پاک و طاهر سبب اجابت دعوات و عوارف و قبولی طاعات شود؛ لامحاله اثر قهری دارد» (حبل‌المتین، ش ۱۹، ص ۱۵).

۲. تعهد عملی علما به مصرف کالای ایرانی و قناعت و ساده‌زیستی

یکی از این نمونه اقدامات، صدور اعلامیه‌ای توسط تعدادی از علماست که تعهد خود به استفاده از اجناس داخلی و پرهیز از کالاهای خارجی و قناعت و ساده‌زیستی را به اطلاع مردم رساندند. جالب آن است که در این اعلامیه، آنها تعهدات خود را بیان کردند؛ نه اینکه از مردم امری را بخواهند. در حقیقت، از خود شروع کردند به مصداق عینی حدیث امام صادق علیه السلام که فرمود: «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم»؛ مردم را به غیر از زبان خود (و با عمل خود، به کار خیر) دعوت کنید. در این اعلامیه آمده است:

اولاً، قبالحجات واحکام شرعیه از شنبه به بعد، روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده... قبله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی‌نمایم.

ثانیاً، کفن اموات اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر غیر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم بر آن میت، ماها نماز نخوانیم.

ثالثاً، ملبوس مردانه جدید، که از این تاریخ به بعد، دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم - مهماً ممکن - هرچه بدلی در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوخ نماییم و منسوخ غیرایرانی را نپوشیم... تابعین ماها نیز کذلک، و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد.

رابعاً، مهمانی‌ها بعد ذلک - ولو اعیانی باشد - چه عامه، چه خاصه، باید مختصر باشد: یک پلو و یک چلو و خورش و یک افشیره. اگر زاید بر این تکلف، احدی ما را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش مهمانی می‌نماییم.

خامساً، وافوری اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم؛ زیرا ... ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و سری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده (حبل‌المتین، ۱۳۲۴ق).

چنان‌که پیداست، در این اعلامیه بر استفاده از کاغذ، لباس و پارچه‌های ایرانی و همچنین بر ساده‌زیستی و برگزاری ساده مهمانی‌ها تأکید شده است. در آخر هم به‌عنوان یک مسئله مهم اجتماعی بر بحث مواد مخدر و لزوم پرهیز از آن به‌سبب ضررهای جسمی، اجتماعی و خانوادگی آن، تأکید شده است. ذیل این اعلامیه، که امضا و مهر آقایان است، نکاتی که در تأیید این مطالب نوشته‌اند نیز جالب است. حاج میرزا مهدی جویری به این قرارداد را موجب کمک به کسبه و ضعفای جامعه دانسته و مخالفت با آن را توهین به شرع انور شمرده است. سایرین نیز تأکید کرده‌اند که خودمان و خانواده و بستگانمان به این قرارداد عمل خواهیم کرد.

این نوع اقدامات علما موجب ترس و واهمه تجار و شرکت‌های اروپایی شد؛ چنان‌که کاردار سفارت انگلیس، چارلز مالرینگ، به وزیر امور خارجه، میرزا حسن‌خان مشیرالدوله، درباره مبارزات علمای اصفهان با سلطه بازار خارجی شکایت کرد و این حرکت را موجب خطر فاحش برای سرمایه‌های انگلیسی دانست و درباره مورد نتیجه این کار نوشت:

نتیجه این کار، این است که معامله‌گران کوچک بازار چون می‌ترسند که بعد از این نتوانند امتعه اروپایی بفروشند، قروض خود را به تجارت‌خانه‌های بزرگ‌تر، که به اعتبار آنها نیز از این بابت خلل فاحش وارد آمده، نمی‌پردازند، و تجارت‌خانه [های] مزبور نیز از آن طرف نخواهد توانست که از عهده تعهدات خود به تجار خارجه، که مال‌التجاره از خارجه می‌آورند، برآیند؛ چون مبلغ زیادی سرمایه انگلیسی در این کار است، و اگر این کار غیرصحیح را بگذارند امتداد پیدا کند، به سرمایه مزبور خطر فاحش وارد خواهد آمد (نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷ و ۱۸۸).

یکی دیگر از اسناد زنده و جاودانه در این خصوص، آداب اخلاقی ثبت‌شده و مشهور آیت‌الله

شهید سیدحسن مدرس است که در ادامه خط فقهاتی میرزای شیرازی قرار دارد و هرگز غیر از منشوجات و پارچه‌های وطنی نمی‌پوشید (نجفی و حقانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶). مرحوم حاج میرزا حسین نجل حاج میرزا خلیل تهرانی، که یکی از مراجع سه گانه نجف در عصر مشروطیت بود و فتاوی ایشان همراه با آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی تأثیر زیادی در پیشرفت نهضت مشروطیت داشت، پس از تأسیس «شرکت اسلامیة اصفهان»، ضمن تعریف و تمجید از این اقدام و تشکر از حاج آقا نورالله اصفهانی، خود نیز متعهد به استفاده از لباس‌های تولید داخل شد: «امیدوارم قسمی شود که اهل ایران به هیچ وجه من الوجوه، محتاج به آوردن و طلبیدن اجناس خارجه نشوند... خود احقر هم قاصد و عازم - حتی المقدور - به غیر از اجناس معمولی ایران استعمال نمی‌نمایم» (حبل‌المتین، ش ۱۹، ص ۱۵).

نتیجه‌گیری

عالمان شیعه به سبب جایگاه رفیع اجتماعی و سیاسی خود در جامعه ایران و بر اساس مبانی نظری دینی و اصولی مثل اصل «نفی سبیل»، اصل «حرمت دوستی با کفار»، اصل «حرمت تشبه به کفار» و بسیاری از اصول دینی و فقهی دیگر، به حراست و حمایت از سرمایه‌های ملی این کشور پرداختند. البته همواره نقطه اتکای خارجی آنها در این اقدامات، اصیل‌ترین سرمایه اجتماعی ایران، یعنی توده‌های مردم بوده است.

علمای شیعه با تشویق بازاریان به تأسیس شرکت‌های اقتصادی اسلامی و ایرانی و حمایت معنوی و عملی از تولیدات داخلی و صدور اعلامیه و بیانیه مبنی بر تحریم کالاهای خارجی یا ترویج کالاهای داخلی و تعهد عملی خود، به پرهیز از کالای خارجی و استفاده از کالاهای داخلی، نقش مؤثری در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه مالی ایرانی داشته‌اند، به گونه‌ای که صدای اعتراض بیگانگان مبنی بر از بین رفتن منافع اقتصادی آنان همواره بلند بوده و این علمای فهیم و باکیاست همواره آماج خشم و نفرت بیگانگان بوده‌اند. توجه علمای شیعه به پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصرف کالای خارجی و منافع اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی مصرف کالاهای داخلی، مثل تضعیف نفوذ نظامی دشمن، افزایش ثروت و سرمایه ملی، ممانعت از خروج سرمایه داخلی، ممانعت از خروج نیروی کار ایران، رشد معنویت و اخلاق و دینداری در جامعه، نیز جالب توجه است.

عالمان شیعه با بصیرت کامل سیاسی و تعهد به وظایف دینی خود، ضمن شناخت برنامه‌ها

و اقدامات دشمن، نسبت به همه مسائل جامعه اسلامی، حتی مسائل اقتصادی و سیاسی حساس بوده و برای رشد و اعتلای جامعه اقدامات لازم و مناسب هر مقطع انجام داده‌اند و همانند برخی متدینان متحجر، وظیفه خود را منحصر در تدریس و بیان اخلاق و معارف و صرف حضور در مسجد و مدرسه ندانسته‌اند و در جریان تمام اتفاقات سیاسی - اجتماعی روز بوده و مواضع مناسب خود را نسبت به آن ابراز داشته‌اند. برخلاف عموم روشن‌فکران غرب‌گرای ایرانی، که عامل و جاده صاف‌کن حضور استعمار در ایران و اعطای منابع ملی کشور به آنها بوده‌اند، عالمان شیعه عموماً مانع حضور و استیلای استعمارگران و حافظ منابع و سرمایه‌های ملی کشور بوده‌اند.

منابع

- آیت‌اللهی، سید محمد تقی (۱۳۶۳)، ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه، تهران، امیرکبیر.
- ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۸۶)، «مروری بر اندیشه و سیره سیاسی صاحب عروه» (تابستان ۱۳۸۶)، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۴۲، ص ۱۳۳-۲۰۴.
- بصیرت‌منش، حمید (۱۳۷۸)، علما ورزیم رضاشاه، چ دوم، تهران، عروج.
- رجبی، محمد حسن (۱۳۹۰)، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار، تهران، نشر نی.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲)، واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش: منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران.
- نجفی، موسی و موسی حقانی (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات سیاسی ایران، چ ۲، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نجفی، موسی (۱۳۹۱)، اندیشه تحریم و خودباوری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.
- (۱۳۷۸)، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، چ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- (۱۳۹۰)، حکم نافذ آقاجنقی، با همکاری علیرضا جوادزاده، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، چ سوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نجفی، موسی، ۱۳۹۰، حکم نافذ آقاجنقی، با همکاری علیرضا جوادزاده، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نجفی، موسی، ۱۳۷۸، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، چ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- مطبوعات
- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، شوال المکرم سنه ۱۳۲۵ ق.
- روزنامه ثریا، ش ۴۷، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷ قمری.
- روزنامه حبل‌المتین، س ۷، ش ۲۴ و ش ۲۹.
- روزنامه زاینده‌رود، شماره ۱۰، ربیع‌الثانی ۱۳۲۹.